

سرمایه اجتماعی و هم‌زیستی اجتماعی

(مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی شهر تبریز ۱۳۹۰)

حسین میرزایی (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤول)

hmirzaei@um.ac.ir

توکل آقایی هیر (استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

t.aghayari@tabrizu.ac.ir

خاطره حیدرنژاد (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران)

kh.heydarnejad@yahoo.com

لاله فتحی (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

l.fathi@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه هم‌زیستی اجتماعی و برخی از عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ می‌باشد. هم‌زیستی محصول زندگی اجتماعی است و کارایی یک جامعه را به شدت بالا می‌برد. هم‌زیستی حالتی ذهنی و رفتاری است و شامل به رسمیت شناختن موجودیت گروه دیگر با وجود تفاوت‌هایشان در ابعاد، هدف‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و حوزه‌های دیگر با به رسمیت شناختن و ارزش‌گذاردن به دیگران، شخصیت‌دادن به اعضای گروه دیگر، عدم برتری‌انگاری گروه خود و آمادگی برای همکاری، مراوده و رقابت با دیگران است. متغیرهای مختلفی بر هم‌زیستی اجتماعی اثر می‌گذارند و در این پژوهش متغیرهای حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و روابط خانوادگی متغیرهای مستقل مورد مطالعه هستند. مطالعه از نوع پیمایشی بوده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، پیش‌دانشگاهی شهر تبریز (۵۸۶۶ نفر) می‌باشد که از میان آن‌ها یک نمونه ۳۶۰ نفری از طریق فرمول کوکران و به شیوه خوشه‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد میانگین هم‌زیستی اجتماعی (۶۷/۷) بوده که بالاتر از متوسط است. همچنین، رابطه متغیر هم‌زیستی اجتماعی با سرمایه اجتماعی (۰/۳۰۵)، حمایت اجتماعی (۰/۳۵۹) و رابطه خانوادگی (۰/۱۳۴) مستقیم، معنادار و مثبت بوده است؛ اما تفاوت میانگین هم‌زیستی اجتماعی مشاهده‌شده دانش‌آموزان براساس خاستگاه زندگی والدینشان معنادار نبوده است.

کلیدواژه‌ها: هم‌زیستی اجتماعی، حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، روابط خانوادگی

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله

تمدن بشر حاصل هم‌یاری و تلاش انسان‌ها برای بهتر زیستن بوده و زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع براساس هم‌یاری و مساعدت بنا شده است. این هم‌زیستی و یاری‌گری محصول زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی است و بشر را برای غلبه بر مشکلات زندگی به سوی هم‌یاری و هم‌دلی با هم‌نوع سوق می‌دهد. هم‌یاری در طول تاریخ به صورت اجتماعی و فردی در جوامع وجود داشته و نوع دوستی و کمک به هم‌نوع به عنوان اصلی اخلاقی سنگ‌بنای جامعه انسانی به حساب می‌آید که خود باعث افزایش اعتماد متقابل می‌شود و این به نوبه خود می‌تواند به نحو قابل توجهی کارآیی یک جامعه را بالا ببرد (شارع پور، آزاد ارمکی و عسکری، ۱۳۸۸، ص. ۶۴).

در عصر ما جوامع متمدن به مرحله‌ای از تکامل رسیده‌اند که هم در داخل و هم در خارج خود سخت به هم‌زیستی می‌گیرند. هم‌زیستی حالتی ذهنی و در عین حال، رفتاری است که اعضای یک جامعه در آن شریک‌اند و حقوق گروه دیگر را به عنوان شریک مشروع و برابر که بایستی اختلافات موجود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز با آن‌ها حل کرد، به رسمیت می‌شناسند؛ به عبارت دیگر، هم‌زیستی شامل به رسمیت شناختن موجودیت گروه دیگر با وجود تفاوت‌هایشان در ابعاد، هدف‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و حوزه‌های دیگر با به رسمیت شناختن و ارزش‌گذاردن به دیگران، شخصیت‌دادن به اعضای گروه دیگر، عدم برتری‌انگاری گروه خود و آمادگی برای همکاری، مراد و رقابت با دیگران است. در جوامع امروزی هم‌زیستی گامی مقدماتی در مسیر تحقق سازش، انسجام اجتماعی، آشتی و عدالت در اجتماع است.

بسط و گسترش هم‌زیستی اجتماعی به نوبه خود باعث افزایش همکاری، مشارکت اجتماعی، کاهش تضاد ارزشی و توزیعی در جامعه می‌شود. هر قدر در جامعه شبکه روابط اجتماعی به سوی سازگاری و وفاق سوق داده شود به همان نسبت محرومیت اجتماعی، یاس اجتماعی، خودکشی و مانند آنها در جامعه کاهش می‌یابد. عوامل اجتماعی و فرهنگی بسیاری با هم‌زیستی اجتماعی در ارتباط بوده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هم‌زیستی اجتماعی خاستگاه اجتماعی خانواده است. به عقیده شاو و مکی (۱۹۴۲) مهاجرت و سکونت در مناطق حاشیه‌ای افراد مهاجر را از فرهنگ کلی جامعه جدا کرده و تحت تأثیر جریان‌هایی قرار می‌دهد که در اختیار خودشان نیست. بنابراین، افراد مهاجر دچار یک هم‌زیستی بیمارگونه می‌شوند. تحقیقات بیشتری نشان داده است که مهاجرت در شهرهای بزرگ سریع اتفاق افتاده، افراد از نژادها و قومیت‌های گوناگون در آن‌جا سکونت می‌گزینند و چندگونگی

فرهنگی در این مناطق دیده می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱ ص. ۸۹) که این موجب بی‌سازمانی اجتماعی و اختلال در هم‌زیستی می‌شود.

سرمایه اجتماعی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر هم‌زیستی اجتماعی است. به اعتقاد بورديو سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی می‌باشد (شارع پور، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۲). به باور پاتنام سرمایه اجتماعی یکی از عواملی است که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود. افراد با قرار گرفتن در شبکه‌های اجتماعی مختلف تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های مختلف برخورد کرده و نگرش مداراجویانه‌تری نسبت به این‌گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند.

حمایت اجتماعی از دیگر عواملی است که بر سازگاری و بهبود روابط اجتماعی تأثیر دارد. حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی اطلاق می‌شود که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد عرضه می‌کنند. خوش کنش و همکاری با بررسی نقش حمایت اجتماعی در سازگاری دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که اثر حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنادار و مثبت است (خوش کنش، اسدی، شیرعلی پور و کشاورز افشار، ۱۳۸۹).

نهادهای آموزشی و از جمله مدارس می‌توانند نقش مؤثری در تقویت هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشند. از آنجایی که مدرسه به عنوان نهاد رسمی تعلیم و تربیت نقش مهمی در فرآیند اجتماعی شدن فرد و نهادینه کردن ارزش‌های اجتماعی متناسب با جامعه دارد. از این رو، انتظار می‌رود مدرسه و نظام آموزش رسمی تعلیم به وابستگی عاطفی فرد به دیگران در جامعه همت گمارد و همیشه او را به عنوان عضو بزرگ‌ترین «ما» که همان اجتماع جامعه‌ای است، مخاطب قرار دهد (چلبی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۲). با این توصیف، در مقاله حاضر تلاش می‌شود به موضوع هم‌زیستی اجتماعی در بین دختران دانش‌آموز دوره پیش دانشگاهی شهر تبریز و برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته شود. با توجه به این توضیحات سؤالات اساسی این است که هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان مورد مطالعه در چه حدی است؟ ارتباط آن با دو متغیر حمایت و سرمایه اجتماعی به چه نحوی است؟ و آیا هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس خاستگاه زندگی والدینشان متفاوت است؟

۲. پیشینه تحقیق

هم‌زیستی: رابرت پارک و برگس هم‌زیستی را نوعی برهم‌کنش اجتماعی در بین آدمیان می‌دانند؛ نظیر آن‌چه در بین اعضای یک اجتماع گیاه یا در بین مورچه‌ها دیده می‌شود. هم‌زیستی به طور مستقیم از طریق

رابطه موجودات با محیطشان عمل می‌کند. در بین آدمیان این شکل از ارتباط با هنجارهای فرهنگی همراه است. لوئیس ویرث هم‌زیستی را برای توصیف این واقعیت به کار می‌برد که گروه‌های انسانی با فرهنگ‌های ناهمگون می‌توانند در فاصله فیزیکی نزدیکی زندگی کنند و در عین حال قلمروهای اجتماعی مختص به خود را حفظ کنند (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص. ۹۹).

به عقیده آلن بیرو هم‌زیستی اجتماعی مبتنی بر تعادل، از ریشه یونانی در معنای زندگی مشترک، شرکت و تجارت گرفته شده است، پدیده‌ای است که از طریق آن دو واحد متفاوت به جهت زندگی مشترک متقابل به کمک و حمایت یک‌دیگر می‌پردازند. از دیدگاه اجتماعی گاه واژه هم‌زیستی تعاونی را در بحث از پدیده‌هایی به کار می‌برند که در محدوده محیط‌شناسی جای می‌گیرند؛ به این قرار چون ساکنان حوزه مشخص جغرافیایی به روش‌های مختلف در گسترش وسایل محدود معاش (که همگی به آن وابسته‌اند) به یک‌دیگر مدد می‌رسانند، در حال هم‌زیستی اجتماعی مبتنی بر تعاون به سر می‌برند، وضع و شرایط آن‌ها و کارکردهایشان متمایز و مکمل یک‌دیگرند، آن‌ها همگی در راه دفاع از خود در برابر تهدیدها و موانع محیط همکاری می‌کنند، در جهت گذران حیات مشترک حتی اگر از نحوه جریان آن آگاهی نداشته باشند، به کمک و حمایت از یک‌دیگر برمی‌خیزند (بیرو، ۱۳۸۰، ص. ۸۴).

هم‌زیستی یک مفهوم کلی بوده و از ابعاد مختلفی تعریف شده است: یادگیری به رسمیت شناختن دیگران و زندگی با تفاوت‌ها، تعامل با تعهد به تحمل، احترام متقابل و توافق برای سامان‌بخشیدن به اختلافات بدون توسل به خشونت، گرچه مفهوم هم‌زیستی در معنای کلی به کار می‌رود؛ اما دلالت به یکی از ویژگی‌های موجود در روابط انسان‌ها دارد. ایده‌آل‌ترین برداشت از آن، تصور جامعه‌ای کاملاً ترکیبی است که گروه‌های مختلف قومی، نژادی یا مذهبی در هماهنگی و سازش با یک‌دیگر زندگی می‌کنند. سطحی‌ترین برداشت این است که اعضای چنین گروه‌هایی بدون تلاش برای حذف یک‌دیگر، با هم زندگی کنند. هم‌زیستی با اصطلاحات دیگری نیز قرابت دارد و در برخی متون به عنوان هم‌معنی آن و یا واژه‌هایی که نزدیکی مفهومی با هم‌زیستی دارند، آورده شده است (گشتاسبی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳).

سازگاری اجتماعی: منظور از سازگاری، رفتارها، واکنش‌های عاطفی و شناخت‌هایی است که مطلوب، انطباقی، مثر یا سالم تلقی می‌شوند. در فرهنگ فشرده سخن سازگار به فردی اطلاق می‌شود که دارای گرایش به همراهی و هم‌کاری با دیگران یا تطابق با محیط و شرایط جدید است (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۴۱). سازگاری اجتماعی مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای انطباقی یادگرفته‌شده‌ای است که فرد را قادر

می‌سازد تا با افراد دیگر روابط متقابل داشته و از خود پاسخ‌های مثبت بروز دهد و همچنین، از رفتارهای نامتناسب اجتناب کند (صادقی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷).

یکی از راه‌های درونی‌شدن هنجارها جامعه‌پذیری است که از طریق آن فرد با هنجارهای جامعه آشنا می‌شود، آن‌ها را می‌آموزد و به مرحله اجرا درمی‌آورد تا بتواند متناسب با هنجارهای گروه و جامعه‌ای که در آن به سر می‌برد، زندگی کند و بر اثر هم‌نواشدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راه‌های هم‌کاری را شناخته و به این سبب دارای رفتاری است که مورد پسند گروه است. هم‌نوایی شخص با هنجارهای اجتماعی که نتیجه جامعه‌پذیری است، دو جنبه دارد؛ هم‌نوایی سطحی و هم‌نوایی عمقی. هم‌نوایی سطحی شخص را بر آن می‌دارد که فقط محض حفظ ظاهر در رعایت هنجارها بکوشد؛ ولی هم‌نوایی عمقی آن است که فرد هنجارهای اجتماعی را به صورت باطنی بپذیرد و به درونی‌کردن آن‌ها بپردازد؛ اما در جوامع کنونی که دائماً در حال تغییر و تحول است، هم‌نوایی عمقی فرد با اشکال مواجه است؛ زیرا ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی به سرعت تغییر می‌کند و فرد کمتر فرصت می‌یابد که خود را به طور عمقی با هنجارهای فرهنگی سازگار کند؛ علاوه بر آن، فرد در جریان هنجارپذیری با هنجارهای متضاد و متناقض و نامناسبی که با مقتضیات اجتماعی سازگاری ندارند، روبه‌رو می‌شود، در نتیجه، فرد نمی‌داند کدام هنجار را بپذیرد. از این جهت دچار تعارض و سرگردانی می‌شود؛ زیرا از یک طرف فرهنگ جامعه او را از پذیرش چیزهای جدید باز می‌دارد و نهیب می‌زند که پای بند باشد و از طرف دیگر می‌بیند که برخی از آداب و رسوم و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی موجود با مقتضیات زمانی سازگاری و توافق ندارد و کارکرد خود را از دست داده‌اند. به این جهت در بسیاری موارد میان نسل‌ها، ناسازگاری‌های روانی، اجتماعی و اخلاقی به وجود می‌آید و یگانگی اجتماعی در معرض خطر قرار می‌گیرد (قرایی مقدم، ۱۳۸۲، ص. ۶۶).

باید به یاد داشت که سازگاری و در رأس آن سازگاری اجتماعی یک مفهوم نسبی است و تحت تأثیر فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند، از سوی دیگر، رفتار آدمی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان و سایر عوامل اجتماعی قرار دارد و شخصیت انسان در صورتی به کمال می‌رسد که بین او و این عوامل تعادل و تعامل مناسبی صورت پذیرد. به عقیده بسیاری از محققان در شکل‌گیری سازگاری اجتماعی عواملی هم‌چون شیوه‌های تربیتی، عوامل آموزشی، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم، گروه هم‌سالان، خانواده و آموزش و پرورش موثر است و شناسایی

مسایل و مشکلات دانش‌آموزان در زمینه سازگاری اجتماعی در محیط مدرسه می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود.

دیدگاه بوم‌شناسی: از نظرگاه بوم‌شناسی کار جامعه‌شناسی دریافتن این حقیقت است که تعادل طبیعی چگونه در محیط حفظ می‌شود. از جمله مفاهیم اصلی که بوم‌شناسان از آن استفاده می‌کنند، هم‌زیستی، رقابت، هجوم، تعادل طبیعی و انطباق با محیط است. به عقیده شاول^۱ و مکی^۲ که از نظریه‌پردازان مهم این دیدگاه هستند، مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به علت الگوهای کنترل‌نشده مهاجرت و ایجاد مناطقی است که در این مناطق اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند و همانند گیاهی که در خاک رشد می‌کند. ساکنان این مناطق هم به اجبار در کنار هم قرار گرفته‌اند و تحت تأثیر جریان‌هایی قرار دارند که در اختیار خودشان نیست. بنابراین، اهالی دچار یک هم‌زیستی بیمارگونه هستند در این مناطق گرایش‌های فرهنگی خاصی استقرار یافته است؛ به طوری که افراد مرتباً در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند. به نظر شاول و مکی مسأله این مناطق عدم حضور معیارهای فرهنگی مناسب می‌باشد که فقر و در نتیجه میل به انحراف از نشانه‌های آن است (ممتاز، ۱۳۸۱، ص. ۸۲).

در واقع انسان‌ها در محیط فیزیکی بسیار متنوعی زندگی می‌کنند و دوست دارند احساس کنند که این محیط‌ها تحت کنترل آن‌ها است. فرهنگ‌ها حس کنترل بر محیط را افزایش می‌دهند و برای انسان‌ها رسوم، اسطوره‌ها و هنجارهایی را فراهم می‌کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهند تا نسبت به خودشان احساس رضایت-بخشی داشته باشند. فرهنگ سنت می‌سازد و سنت‌ها نه تنها به مردم می‌گویند که در گذشته چه چیزهایی مؤثر بوده است؛ بلکه انتخاب رفتارهایی را که ممکن است در زمان حال نیز مؤثر افتد، برای انسان آسان می‌کنند. بعضی از عناصر فرهنگی که ممکن است در زمان تفکر درباره فرهنگ از آن‌ها استفاده کنیم، عبارت‌اند از: الگوهای پوشیدن لباس، فعالیت‌های اقتصادی، خصوصیات تعامل اجتماعی، روش‌های تربیت کودکان، روش‌های تعلیم و تربیت نوجوانان و غیره (تریان‌دیس، ۱۳۸۳).

نظریه سرمایه اجتماعی: کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی می‌داند که همراه ارتباطات فامیلی و مؤسسات اجتماعی جامعه است و در توسعه اجتماعی و ادراکی بچه یا فرد جوان مفید واقع می‌شود. این منابع برای افراد مختلف یکسان نبوده و در توسعه سرمایه انسانی بچه‌ها و جوانان مزیت فوق‌العاده‌ای به حساب می‌آید (کلمن، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۰). تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی پلی است بین رفتار فردی و جمعی. به طور حتم، وی سرمایه اجتماعی را نوعی دارایی برای فرد در نظر گرفته است؛ اما وجود آن

1 Shaw

2 Mckay

منوط به پدید آمدن منابع ساختاری اجتماعی است. این که این منابع در زمان لازم به کار می‌آیند یا خیر از نظر کلمن به دو چیز بستگی دارد: یکی وجود احترام به تعهدات و دیگری سطح اعتماد در جامعه که هر دو متأثر از تغییرات در ساختار اجتماعی‌اند؛ تغییراتی هم‌چون درجه و فور اقتصادی در جامعه، تفاوت‌های فرهنگی در دادن و کمک گرفتن از دیگران، درجه سازگاری شبکه‌های اجتماعی و پشتیبانی ارتباطات اجتماعی (کلمن، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۲).

بوردیو سرمایه اجتماعی را دارای دو عنصر می‌داند: نخست روابط اجتماعی که افراد را قادر به دستیابی به منابعی می‌کند که دیگران؛ یعنی هم‌گروه‌های صاحب آن‌ها نیستند و دوم مقدار و کیفیت منابعی که فرد به دست می‌آورد. سرمایه اجتماعی این امکان را برای فرد فراهم می‌کند تا به منابعی مانند اطلاعات، فرصت‌های اقتصادی و آموزشی دست یابد. از نظر پاتنام ایده اصلی سرمایه اجتماعی عبارت است از «شبکه‌ها و هنجارهای مرتبط با عمل متقابل» از نظر وی سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری برای سود متقابل را تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی (کلمن، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۵). در کاربرد سرمایه اجتماعی، مجموعه منابعی مد نظر است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. این منابع برای افراد مختلف متفاوت است و می‌تواند مزیت مهمی برای افراد در رشد سرمایه انسانی شان باشد (فیلد، ۱۳۸۴، ص. ۳۷).

سرمایه اجتماعی برآیندی است از روابطی که در کاهش انواع هزینه‌های سازمان مؤثر بوده و در نهایت، به افزایش بهره‌وری سازمان‌ها رهنمون می‌شود. سه مؤلفه مهم آن عبارت‌است از انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی که تقویت‌کننده و هدایت‌گر جامعه به سوی بالندگی و توسعه پایدار است. در واقع سرمایه اجتماعی از تعامل بین سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و فرهنگی جامعه حاصل می‌شود.

نظریه حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر آن را ناشی از ادراک افراد می‌دانند. ساراسون (۱۹۸۸) حمایت اجتماعی را مفهومی چندبعدی می‌داند که هر دو را در بر می‌گیرد (علی پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۰). یکی از منابعی که به وقوع فرآیند هم‌زیستی کمک می‌کند، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی اطلاق می‌شود که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد عرضه می‌کنند (سارافینو، ۱۳۸۴). همچنین، حمایت اجتماعی شامل

منابع اجتماعی است که افراد آماده دریافت آن هستند تا روابطشان را بهبود بخشند (لاورا، گرام و نوامی، ۲۰۰۷).

حمایت اجتماعی عاملی است که می‌تواند تأثیر حوادث نامطلوب زندگی را کاهش دهد. فرهنگ‌ها از نظر میزانی که مردم به تنهایی با مشکلات خود روبه‌رو می‌شوند و یا به کمک دیگران مشکلات خود را حل می‌کنند، متفاوت هستند. در فرهنگ‌های جمع‌گرا مشورت به طور گسترده صورت می‌گیرد، تصمیمات اغلب از طریق هم‌فکری اتخاذ می‌شود و مسئولیت این تصمیمات بر عهده همه است. بنابراین، در فرهنگ‌های فردگرا، شکست در کار اغلب فشار بیشتری به دنبال دارد تا در فرهنگ‌های جمع‌گرا که شکست بین گروه مشترک است (تریاندیس، ۱۳۸۳، ص. ۸۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد حمایت اجتماعی عبارت است از این تصور که افرادی وجود دارند که در موقع نیاز به ما کمک می‌کنند و این یک دست‌آویز قوی برای غلبه بر استرس است. در فرهنگ‌هایی که حمایت متقابل اجتماعی وجود دارد، افراد آن کمتر به استرس‌هایی که به بیماری منجر می‌شود، مبتلا می‌شوند. شاید علت این است که در این فرهنگ‌ها، به‌دست‌آوردن حمایت اجتماعی آسان‌تر است. افرادی که در فرهنگ‌های فردگرا هستند، در معرض استرس‌هایی هستند که به خاطر احساس تنهایی و عدم حمایت جمع به وجود می‌آیند. فلمینگ و باوم که از نظریه پردازان مطرح حمایت اجتماعی می‌باشند، معتقدند افرادی که دارای حمایت‌های بیشتری هستند از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند. درگیری افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی از جمله شبکه‌های دوستی و خانوادگی و ارتباطات همسایگی منابع حمایتی را فراهم می‌کند، به طوری که افراد با جذب بیشتر در این شبکه‌ها از حمایت و به دنبال آن، کیفیت زندگی بهتری برخوردار می‌شوند. طبق مطالعات متأثر از این دیدگاه، افرادی که در شبکه‌های حمایتی قرار دارند، کمتر افسرده‌اند و عمدتاً از سلامت روانی بهتری نسبت به افراد فاقد چنین شبکه‌های حمایتی برخوردارند (علی پور، سجادی، ستاره فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷)، همین امر باعث ارتقای روابط حمایتی و امدادسانی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌شود. براساس نظریه حمایت اجتماعی کاپلان، حمایت اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا از طریق فراهم کردن بازخوردهایی (در رابطه تعاملی با سایرین)، توانایی تسلط بر محیط خویش را دارا شوند. در واقع، حمایت اجتماعی به افراد در جهت رفع مشکلات روانی کمک شایانی می‌کند و نوعی پتانسیل حمایتی است که نیروی لازم را برای کسب مهارت‌ها، آموزش‌ها و دانش‌ها فراهم می‌کند (خدمتگزار خوشدل، ۱۳۷۹). جان کلام نظریه حمایت اجتماعی این است که در صورت وجود آن، استعدادهای فردی شکوفا شده و زمینه

برای بروز هم‌زیستی بهتر آماده می‌شود. شبکه‌های حمایتی را می‌توان به فراخور موضوع خانواده، دوستان، اطرافیان، گروه‌های مدرسه و مانند آن‌ها در نظر گرفت.

۳. مرور تحقیقات داخلی و خارجی

شارع پور، آزاد ارمکی و عسکری در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی به این نتیجه دست یافتند که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی (بعد اعتماد نهادی) و متغیرهای زمینه‌ای سن، شبکه‌های غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا می‌باشند (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۸).

خوش کنش و همکاران (۱۳۸۹) براساس فرضیه تأثیر نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه منطقه طارم استان قزوین به این نتیجه رسیدند که اثر مستقیم حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنادار است. آذین و موسوی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان فریدون شهر پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بین عملکرد دبیران، امکانات آموزشگاه و سبک مدیریت با سازگاری اجتماعی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ ولی بین وضعیت فیزیکی آموزشگاه و سازگاری اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد.

رستگاران (۱۳۷۲) در مطالعه خود با عنوان «بررسی تأثیر چگونگی روابط والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی دخترانه شهر همدان» به این نتیجه رسید که بین عوامل خانوادگی و سازگاری اجتماعی فرزندان در مدرسه، رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی چگونگی روابط والدین در سازگاری اجتماعی آن‌ها مؤثر است. دانش‌آموزانی که در مدرسه از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردارند، دارای والدینی با روابط مبتنی بر تفاهم هستند، در حالی که دانش‌آموزان ناسازگار دارای والدینی هستند که از روابط صحیح و براساس تفاهم بهره‌مند نیستند.

نتایج تحقیقات سالوینا، ایتالینا و لینان (۲۰۰۳) و وایت، هاستینگز (۲۰۰۴) نشان داده است که حمایت اجتماعی و سازگاری رابطه‌ای معنادار دارند. میلر و سیرز در تحقیقی به بررسی تأثیر تغییرات محیطی بر استمرار نگرش‌های مدارای اجتماعی پرداخته‌اند. روش آن‌ها در این تحقیق، داده‌های ثانویه بوده است؛ به این معنا که برای بررسی رابطه فوق از شش پیمایش اجتماعی عمومی که به صورت مقطعی بین سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۷ انجام شده بود، استفاده کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون به این نتیجه

رسیدند که محیط‌های قبل از بلوغ و اوایل بلوغ تأثیر معناداری روی شاخص‌های مدارای اجتماعی دارند (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۹).

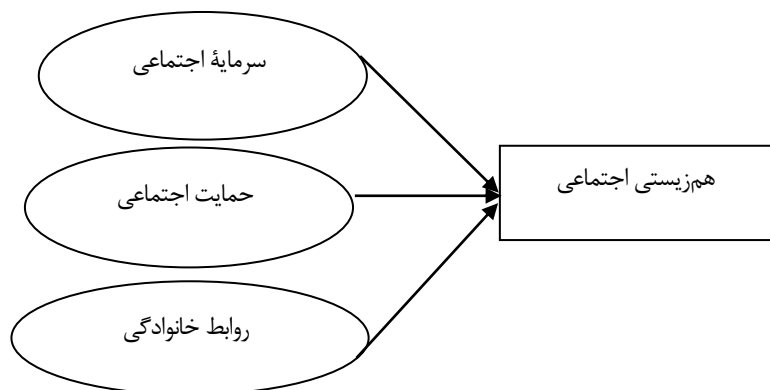
گایس به بررسی رابطه میان یادگیری مشارکتی، دریافت حمایت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی پرداخته است. نتایج بررسی‌های وی نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی با میزان حمایت تحصیلی و شخصی دریافت‌شده از جانب معلمان و هم‌سالان هم‌بستگی مثبتی دارد؛ اما ارتباطی به احساس بی‌زاری از مدرسه ندارد (گایس، ۲۰۰۲).

هم‌زیستی حالتی ذهنی- رفتاری است که اعضای یک جامعه در آن شریک‌اند و حقوق گروه دیگر را به عنوان شریک مشروع و برابر که بایستی اختلافات موجود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز با آن‌ها حل کرد، به رسمیت می‌شناسند. بسط و گسترش هم‌زیستی اجتماعی به نوبه خود باعث افزایش همکاری، مشارکت اجتماعی، کاهش تضاد ارزشی و توزیعی در جامعه می‌شود. به دلیل تنوع جوامع، پیچیدگی ارتباطات موضوع هم‌زیستی اجتماعی امروزه از هر زمان دیگری ضروری‌تر است و مورد توجه خاص قرار گرفته است.

با مرور نظریات و تحقیقات این حوزه مشخص می‌شود که متغیرهای گوناگونی بر توسعه و افزایش هم‌زیستی اجتماعی موثرند، چنان‌که پاتنام بر نقش سرمایه اجتماعی تأکید دارد و شارع پور شارع پور، آزاد ارمکی و عسکری در تحقیقی نشان دادند که سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا و هم‌زیستی است. اندیشمندان مختلفی هم‌چون سارافینو (۱۳۸۴)، گایس (۲۰۰۲) و ایت، هاستینگز (۲۰۰۴) و خوش کنش (۱۳۸۹) در تحقیقاتشان نقش حمایت اجتماعی به عنوان تبیین‌کننده هم‌زیستی اجتماعی را نشان داده‌اند. جامعه‌پذیری، نقش والدین و فضای خانواده از دیگر متغیرهای مؤثر بر رفتار افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان در موضوع سازگاری و هم‌زیستی است. رستگاران در مطالعه خود تأثیر روابط والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را نشان داد. او دریافت روابط خانوادگی مناسب‌تر در هم‌زیستی بیشتر نمونه مورد مطالعه‌اش اثر مثبت داشته است.

با در نظر داشتن چارچوب نظری و تجربی تحقیق سه متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و روابط خانوادگی استخراج و رابطه آنها با متغیر وابسته تحقیق یعنی هم‌زیستی اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت.

۴. مدل تحقیق



۵. فرضیه‌های تحقیق

- ۱- سرمایه اجتماعی بیشتر هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.
- ۲- با افزایش حمایت اجتماعی هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان بیشتر می‌شود.
- ۳- روابط خانوادگی مطلوب‌تر، هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

۶. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش پیمایشی است؛ به این معنی که توزیع ویژگی‌های آماری مد نظر بوده و هدف تبیین وضعیت موجود و شناسایی رابطه بین رویدادها بوده است. از لحاظ هدف تحقیق، روش تحقیق از نوع کاربردی است؛ منظور این‌که هدف توسعه دانش کاربردی در زمینه هم‌زیستی اجتماعی بوده است. تحقیق حاضر از نوع پنهانگر بوده و با در نظر گرفتن معیار زمان، مطالعه‌ای مقطعی است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها: هم‌زیستی اجتماعی به معنای هماهنگی و تعاون دو یا چند موجود زنده (افراد و گروه‌ها) با یکدیگر است، آن‌ها به تکمیل یکدیگر می‌پردازند و تعامل مطلوب اجتماعی را با انطباق متقابل و بی‌پای در جهت استمرار هم‌زیستی بنا می‌نهند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص. ۷۹۵). در محیط مدرسه رفتار دوستانه و مؤدبانه با دیگران، احترام‌گذاردن به دیگران، قدردانی از دیگران، صداقت‌داشتن در برابر دیگران، مواظب رفتار و گفتار خود بودن، به‌کاربردن روش گفت‌و شنود در مواجهه‌ها، کمک به دیگران بدون چشم‌داشت، رعایت قوانین مدرسه، خوش‌رفتاری با تازه‌واردان، رعایت حال ضعیف‌ترهای کلاس و دفاع از حقوق هم‌کلاسی‌ها (فونته، پرلاتا و سانچز، ۲۰۰۶، ص. ۱۸۲) مهارت‌های تحمل و خودکنترلی،

حساسیت و توجه به نیازهای دیگران، هم‌دلی، تفکر انتقادی و گشاده‌رویی (مینو، ۲۰۰۲، ص. ۱۰) از جمله شاخص‌های هم‌زیستی اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

سرمایه اجتماعی: از نظر بورديو سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده و شناخت متقابل بین افراد یا به عبارت دیگر عضویت در گروه است (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص. ۳۰۸). این مفهوم دربردارنده مفاهیمی هم‌چون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده؛ به نحوی که گروه را به سمت دست‌یابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند.

حمایت اجتماعی: درگیری افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی از جمله شبکه‌های دوستی و خانوادگی و ارتباطات همسایگی بوده که افراد با جذب بیشتر در این شبکه از حمایت و به دنبال آن، کیفیت زندگی بهتری برخوردار می‌شوند (آقا محمدیان، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). در این مطالعه حمایت اجتماعی شامل مراقبت، محبت، تسلی و کمکی است که سایر افراد و گروه‌ها به فرد عرضه می‌کنند.

روابط خانوادگی: در این پژوهش منظور از روابط خانوادگی میزان صمیمیت، چگونگی روابط بین اعضا و جو عاطفی خانواده، حفظ جایگاه و احترام هر یک از اعضای خانواده، مشارکت در مدیریت امور خانواده می‌باشد و بر این اساس، گویه‌ها طرح و مورد سنجش قرار گرفت.

اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری: برای ارزیابی اعتبار وسیله اندازه‌گیری، از اعتبار صوری^۱ (ارجاع گویه‌های طراحی شده به برخی استادان جامعه‌شناسی و دبیران علوم اجتماعی) و برای بررسی پایایی گویه‌های مذکور، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضرایب حاکی از پایداری درونی گویه‌ها در حد قابل قبول است.

جدول ۱- نتایج تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به متغیرها

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی گویه‌ها
هم‌زیستی اجتماعی	۲۰	۰/۷۴
حمایت اجتماعی	۱۲	۰/۷۲
روابط خانوادگی	۱۰	۰/۸۶
سرمایه اجتماعی	۱۵	۰/۶۴

فرآیند نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تبریز به تعداد ۵۸۶۶ نفر است که از این تعداد ۳۶۰ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های طراحی شده پاسخ گفتند. نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر تبریز خوشه‌های مورد استفاده را تشکیل داده‌اند که از میان آن‌ها سه ناحیه (ناحیه‌های ۱، ۳ و ۵) برای بررسی انتخاب شدند. در هر ناحیه با توجه به جمعیت دانش‌آموزی هر یک از رشته‌های تحصیلی به تناسب نمونه‌ها انتخاب شد: رشته علوم انسانی ۷۹ نفر، رشته تجربی ۱۵۸ نفر، رشته ریاضی ۱۰۸ نفر و رشته هنر ۱۵ نفر. بعد از تکمیل تعداد پرسش‌نامه‌های مورد نظر، داده‌های جمع‌آوری شده با توجه به جهت سؤالات، کدگذاری شده و وارد کامپیوتر شد و در نهایت، بعد از ویرایش از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

۷. یافته‌های تحقیق

براساس یافته‌ها ۳۰/۲ درصد دانش‌آموزان در رشته ریاضی، ۲۴/۷ درصد در رشته علوم انسانی، ۳۹/۷ درصد در رشته تجربی و ۵/۵ درصد در رشته هنر مشغول تحصیل بوده‌اند. از نظر محل سکونت ۹۷/۷ درصد شهری و ۲/۳ درصد روستایی بوده‌اند. همچنین، مشخص شد میانگین معدل کتبی سال سوم دانش‌آموزان ۱۶/۵۸ با انحراف استاندارد ۲/۱۳ بوده است. براساس نتایج جدول (۲)، میانگین متغیر هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان ۶۷/۷۸ است؛ به این معنی که میزان هم‌زیستی اکثر دانش‌آموزان بالاتر از متوسط (وسط طیف مورد استفاده^۱) بوده است. این میانگین برای متغیر حمایت اجتماعی ۷۰/۱۵، متغیر سرمایه اجتماعی ۶۲/۶۲ و متغیر روابط خانوادگی ۸۱/۰۶ بوده است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
هم‌زیستی اجتماعی	۶۷/۷۸	۱۰/۹۸	۸۷۵	۹۶/۲۵
حمایت اجتماعی	۷۰/۱۵	۱۴/۲۷	۰	۱۰۰
سرمایه اجتماعی	۶۲/۶۲	۱۲/۰۷	۰	۱۰۰
روابط خانوادگی	۸۱/۰۶	۱۱/۹۹	۳۲/۲۲	۱۰۰

۱ نمرات بر مبنای صفر تا صد محاسبه شده است.

آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون سه فرضیه اساسی تحقیق از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد هر سه متغیر مستقل حمایت اجتماعی (۰/۳۵۹)، سرمایه اجتماعی (۰/۳۰۵) و روابط خانوادگی (۰/۱۳۴) با متغیر وابسته هم‌زیستی اجتماعی، رابطه معنادار و مثبت داشته‌اند؛ اما در این میان شدت رابطه دو متغیر حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیش از متغیر روابط خانوادگی بوده است.

جدول ۳- ضرایب هم‌بستگی بین هم‌زیستی اجتماعی و متغیرهای مستقل تحقیق

روابط خانوادگی	سرمایه اجتماعی	حمایت اجتماعی	
$r=0/134$	$r=0/305$	$r=0/359$	تولید و انتشار
$P=0/011$	$P=0/000$	$P=0/000$	
$N=360$	$N=360$	$N=360$	

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هم‌زیستی در معنایی کلی نشان‌گر شدت و ضعف در روابط انسان‌هاست. بالاترین مفهوم آن تصور جامعه‌ای است کاملاً ترکیبی از افراد مختلف که در هماهنگی و سازش با یک‌دیگر زندگی می‌کنند و پایین‌ترین مفهومی که از آن برداشت می‌شود این است که چنین افرادی بدون طرد یک‌دیگر، با هم زندگی می‌کنند. به عقیده بسیاری از محققان متغیرهای مختلفی؛ چون خانواده، شیوه‌های تربیتی، حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و غیره در شکل‌گیری هم‌زیستی اجتماعی مؤثرند. در این پژوهش نتیجه هم‌بستگی بین سرمایه اجتماعی و هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان معنادار و مستقیم بوده است؛ یعنی با بالا رفتن سرمایه اجتماعی میزان هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. این یافته هم‌سو با دیدگاه افرادی چون بوردیو و یاتنام و تا حدی غیرهم‌سو با نتیجه تحقیق شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸) می‌باشد که به بررسی سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی پرداخته بود. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی با تمام ابعاد با مدارا رابطه معکوس و معنادار داشته است.

براساس این یافته، هر قدر میزان سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان افزایش یابد، به طوری که بتوانند به دوستان، خانواده و اطرافیان اعتماد کنند و نشان دهند که مورد اعتماد اطرافیان هستند، به همان میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها بیشتر شده و هم‌زیستی بیشتری در محیط مدرسه از خود نشان می‌دهند و در کنترل رفتارهای خود تلاش بیشتری خواهند داشت.

یکی دیگر از منابعی که به هم‌زیستی بیشتر فرد کمک می‌کند، حمایت اجتماعی است، حمایت اجتماعی دریافت این احساس است که همواره افرادی در دسترس ما وجود دارند که می‌توانند در موقع نیاز به ما کمک کنند. رابطه بین حمایت اجتماعی و هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان در این پژوهش معنی‌دار و مستقیم بوده است. این یافته با نتیجه تحقیق خوش کنشو همکاران (۱۳۸۹)، مطالعات سالوینا و ایتا (۲۰۰۳)، وایت و هاستینگز (۲۰۰۴) و سسیلا و بلگریور (۲۰۰۷) هم‌خوان می‌باشد که نشان داده‌اند بین هم‌زیستی و حمایت اجتماعی رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد؛ به طوری که اشخاصی که احساس و تصور حمایت اجتماعی دیگران را داشته باشند، روحیه سازگاری بهتری داشته و در مواقع لزوم هم‌زیستی اجتماعی خوبی نیز از خود نشان می‌دهند. بر این اساس، تلاش در جهت آگاه‌سازی والدین و اولیای مدارس در این خصوص می‌تواند در ایجاد و تقویت حمایت این احساس و تصور و در نتیجه تقویت هم‌زیستی اجتماعی مؤثر خواهد بود.

بررسی هم‌بستگی بین روابط خانوادگی و هم‌زیستی اجتماعی از دیگر فرضیه‌های تحقیق بود که طبق نتایج به‌دست آمده، رابطه بین این دو متغیر معنادار و مستقیم است. این یافته با تحقیق رستگاران تا حدی هم‌سو است که به بررسی تأثیر چگونگی روابط والدین در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهر همدان پرداخته و به این نتیجه رسید که چگونگی روابط والدین در سازگاری اجتماعی فرزندان آن‌ها در مدرسه مؤثر است و دانش‌آموزانی که در مدرسه از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردارند، دارای والدینی با روابط مبتنی بر تفاهم هستند. این در حالی است که والدین دانش‌آموزان ناسازگار از روابط صحیح و مبتنی بر تفاهم بهره‌مند نیستند.

این یافته به‌خوبی نشان‌گر اهمیت نهاد خانواده و روابط خانوادگی در شکل‌گیری هم‌زیستی اجتماعی می‌باشد. والدینی که از فرزند خود حمایت منطقی می‌کنند و طریقه محبت و توجه (نه افراط و تفریط) را می‌دانند و به فرزند خود احساس مهم‌بودن را می‌دهند، چنین فرزندی می‌داند که می‌تواند در تمام مراحل، به خانواده تکیه کند و احساس تنهایی نکند و می‌آموزد که در مواقعی باید به خاطر خواسته دیگران، علی‌رغم میل خود در جمع سازگار باشد. این چنین ویژگی‌هایی که به واسطه خانواده در فرد شکل می‌گیرد، وقتی به اجتماع انتقال یابد، باعث می‌شود فرد هم‌زیستی اجتماعی بهتری با دیگران داشته باشد و اگر عکس موارد بالا در خانواده حاکم باشد، محبت به کودک مشروط به این و آن باشد، هر کس به فکر خود باشد و خواسته‌های فرد زورگو در خانواده انجام شود. این چنین کودکانی لج‌بازی را یاد گرفته و

می‌کوشند در هر شرایطی حرف خود را پیش ببرند و خواسته دیگران برایشان مهم نیست، چنین کودکانی با این روابط آشفته، در نوجوانی نیز قادر به نشان‌دادن هم‌زیستی اجتماعی مطلوبی نخواهند بود. برای ارتقای سطح هم‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس و در نهایت، کل جامعه با توجه به اهمیت روابط خانوادگی در هم‌زیستی اجتماعی افراد پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های جمعی و مدارس برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای در همین زمینه برای والدین دانش‌آموزان تهیه شده و بروشورهایی جهت ارتقای آگاهی خانواده‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

از طرف دیگر، مدارس می‌توانند با ترویج و آموزش روابط دوستانه در بین دانش‌آموزان، تشویق آن‌ها به احترام متقابل، کمک به یک‌دیگر در حل مسائل درسی، حسّ همدلی را در مدارس افزایش دهند و توانایی‌های آن‌ها را در برقراری ارتباط صحیح، کنترل هیجانات و تعصبات خویش، آگاهی از حقوق، ارزش‌ها، قوت‌ها و ضعف‌های خود، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد را بالا ببرند و به این وسیله، زمینه تقویت حسّ هم‌زیستی را در جامعه فراهم کنند. همچنین، به خاطر وجود تفاوت‌های فردی در بین دانش‌آموزان هم‌چون ویژگی‌های هوشی، شخصیتی، زمینه خانوادگی و غیره، مدرسه و معلم آن می‌توانند با ایجاد و تقویت روش‌های تدریس مشارکتی ضمن این‌که روابط درون و برون گروهی دانش‌آموزان را ارتقا دهند، باعث می‌شوند آن‌ها مهارت‌های تحمل یک‌دیگر و باهم‌زیستن را عملاً تجربه کنند.

کتاب‌نامه

۱. آذین، ا و موسوی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدون شهر. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۱)، ۲۰۰-۱۸۳.
۲. انوری، ح. (۱۳۸۲). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: انتشارات سخن.
۳. بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (ب. ساروخانی، مترجم). تهران: نشر کیهان.
۴. تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: نشر شیراز.
۵. تریاندیس، ه. (۱۳۸۳). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. (ن. فتی، مترجم). تهران: نشر رسانش.
۶. چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
۷. خدمتگزار خوشدل، م. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر عزت نفس (با تأکید بر حمایت اجتماعی) مطالعه موردی دانشجویان کارشناسی روزانه دانشگاه تبریز. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز. تبریز، ایران.
۸. خوش کنش، ا، اسدی، م، شیرعلی پور، ا. و کشاورز افشار، ح. (۱۳۸۹). نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴ (۱)، ۹۴-۸۲.

۹. رستگاران، م. (۱۳۷۲). بررسی تأثیر چگونگی روابط والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس دخترانه شهر همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت معلم تهران. تهران، ایران.
۱۰. ساروخانی، ب. (۱۳۷۵). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. جلد دوم. تهران: انتشارات کیهان.
۱۱. شارع پور، م. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت.
۱۲. شارع پور، م.، آزاد ارمکی، ت و عسکری، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و طباطبایی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۱). ۶۴-۹۸
۱۳. صادقی، ف. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه هوش هیجانی با سازگاری، اضطراب و افسردگی دختران نوجوان مشکین شهر*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تبریز. تبریز، ایران.
۱۴. علی پور، ا. (۱۳۸۵). ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص‌های ایمنی بدن در افراد سالم: بررسی مدل تأثیر لکی. *فصل‌نامه روان‌پزشکی، روان‌شناسی بالینی و بهداشت روان*، ۱۲ (۲) ۱۴۰-۱۳۴.
۱۵. علی پور، ف.، سجادی، ح.، ستاره فروزان، آ. و بیگلریان، ا. (۱۳۸۸). نقش حمایت‌های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان. *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*. ۹ (۳۳)، ۱۶۵-۱۴۷.
۱۶. فیلد، ج. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی*. (ج. متقی، مترجم). تهران: مؤسسه علمی پژوهشی تأمین اجتماعی.
۱۷. قرایی مقدم، ا. (۱۳۸۲). *انسان‌شناسی فرهنگی*. تهران: انتشارات ابجد.
۱۸. قندهاری زاده، ا. و آقا محمدیان شعر باف، ح. ر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی (خانواده و دوستان) و سلامت روانی نوجوان. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران.
۱۹. گشتاسبی، پ. (۱۳۸۶). *بررسی میزان هم‌زیستی گروه‌های قومی شهرستان گچساران*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تبریز. تبریز، ایران.
۲۰. گولد، ج. و کولب، و. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (م. ج. زاهدی، مترجم). تهران: انتشارات مازیار.
۲۱. ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحراف اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
22. Coleman, J. (1994). Social Capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94,95-120
23. Fuentes, J., Peralta, F., & Sanchez, M. (2006). Social-personal values and coexistence problems in secondary education. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 4, 171-200. Retrieved from: http://www.investigacion psicopedagogica.org/revista/articulos/9/english/Art_9_118.pdf
24. Ghaith, G. M. (2002). The relationship between cooperative learning, perception of social support, and academic achievement.:The relationship between cooperative learning, perception of social support, and academic achievement. *System*, 30(3), 263 -273
25. Laura, J. F, Graham, J.R., & Naomi.S. (2007). Social support, self ° esteem, and stress as predictors of adjustment to university among first- year under graduates. *Journal of College Student Development*, 48(3), 256-274.
26. Minow, M. (2002). Education for coexistence. *Arizona Law Review*, 44(1). Retrieved from: www.emory.edu www.Law.arizona.edu.

27. Saloviita, T., Italinna, M., & leinonen, E. (2003). Explaining the parental stress of fathers and mothers caring for a child with intellectual disability: A double ABCX model. *Journal of Intellectual Disability Research*, 47, 300-312.
28. White, N., & Hastings, R.P. (2004). Social and professional support for parents of adolescents with severe intellectual disabilities. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 17, 181- 190.

